

ضرورت‌ها و چالش‌های تغییر پایتخت در ایران

(قسمت اول)

چکیده

انتقال پایتخت مسئله‌ای است که همواره مورد توجه حکومت‌های گذشته ایران بوده است تا این که پس از تجربه‌های گوناگون انتقال پایتخت از سوی شاه عباس، نادر شاه، کریم خان زند و دیگران به شهرهایی چون اصفهان، مشهد و شیراز، آغا محمدخان قاجار با قراردادن تهران به عنوان پایتخت ابدی، جامه ترافیک سنگین را بر قامت تهران دوخت و سنگ بنای تجارت‌های میلیاردی را در این شهر نهاد تا آن‌ده و روستای کوچک به کلان‌شهری این چنین تبدیل شود. مقوله پایتخت یا مرکزیت سیاسی در ایران، همانند محدوده‌های سیاسی آن، در طول تاریخ فرازونشیب‌های زیادی داشته است و به تبعیت از تغییر حکومت، پایتخت آن نیز، جز در موارد معدود، از شهری به شهر دیگر جابه‌جا شده است. نگاهی به گذشته تاریخی این تغییر و تحول حاکی از انگیزه‌های مختلفی است که به تناسب زمان، مکان و ساختار اجتماعی حکومت، با محفوظ داشتن استراتژی سیاسی و مسایل ژئوپولیتیکی زمان، موجب جابه‌جایی مرکز سیاسی کشور شده است. این انگیزه‌ها عمدتاً در وهله نخست سیاسی - امنیتی، و در وهله دوم اقتصادی - اجتماعی بوده است. تهران که امروزه پایتخت کشور ایران است از پیشینه شهری چندان طولانی برخوردار نیست. این شهر مدتها یکی از روستاهای کوچک‌ری بوده و شهر تهران از دوران قاجار و پایتخت شدن آن وسعت گرفته است. این روزها برخی، مسئله انتقال پایتخت و یا مرکز کشور به مکان دیگری را، مطرح نموده‌اند. در رابطه با این پیشنهاد، اظهار نظرهای متنوع و متفاوتی هم ابراز شده است.

در این نوشته کوشش خواهد شد، نخست مسئله انتقال پایتخت، به طور کلی و با توجه به شرایطی که در آن قرار داریم از یک سو و از سوی دیگر تجربه و اهداف کشورهای دیگر که پایتخت جدیدی را انتخاب نموده‌اند، مورد توجه قرار دهیم. سپس در مقابل پیشنهاد انتقال پایتخت، آن‌هم در شرایط کنونی که حتی ممکن است افکار عمومی آن‌را نوعی فرافکنی و فرار از انجام مسئولیت تعبیر نماید، مسئله اصلی یا جستجوی راه‌کاری که رفع یا تعدیل تساریدی مشکلات کلانشهر تهران را میسر گرداند، بررسی نماییم.

واژگان کلیدی

پایتخت، انتقال پایتخت، شهر.

مقدمه

در گذشته، امنیت عامل اصلی انتخاب و یا انتقال پایتخت بوده است اما امروزه با توجه به پیشرفت فنون به ویژه در عرصه‌های امنیتی و تغییر شیوه‌های جنگی و همچنین اهمیت یافتن گردش اطلاعات و ارتباطات در این عرصه، عامل مذکور کم رنگ شده است و در مقابل مرکزیت ثقل اقتصادی اهمیت یافته است.

امروزه اگر پایتختی انتخاب می‌شود و یا انتقال می‌یابد عمدتاً به دلایل غیرامنیتی است. تمرکززدایی، حل مشکلات موجود در یک پایتخت، تسلط مناسب بر اقتصاد کشور و یا انتخاب رأس مناسب برای هرم سلسله مراتب شهری است. تهران برای اولین بار توسط کریم خان زند برای مدت کوتاهی به پایتختی برگزیده شد اما به دلایل اقلیمی و زیست محیطی (آب و هوای گرم تابستان و بوی نامطبوع)، پایتخت خود را به شهر شیراز، که از اعتدال هوا برخوردار بود، منتقل نمود.

سال ۱۳۶۴ هـ ش که دو یستمین سال پایتختی تهران بود، کم‌کم بحث انتقال پایتخت از تهران (برای دومین بار) مطرح شد. پس از پایان جنگ تحمیلی، این امر به طور جدی پیگیری شد اما مراجع مسئول در آن زمان «ساماندهی تهران» را عملی‌تر و مناسب‌تر تشخیص دادند و از اجرای آن منصرف گشتند. به رغم تلاش بسیار و اجرای طرح‌های عمرانی متعدد، هنوز هم بسیاری از مسایل تهران حل نشده باقی مانده است. به همین دلیل از اواخر دهه هفتاد بحث انتقال پایتخت مجدداً از سوی برخی مسئولان مطرح شده است.

اهدافی که موافقان انتقال پایتخت مطرح می‌کنند، تمرکززدایی و حل مسایل تهران (مسایل ناشی از اندازه جمعیت و فعالیت از قبیل آلودگی هوا، ترافیک سنگین و غیره) از یک سو و حفاظت از ارکان

حکومت و امنیت ملی در برابر آسیب‌های وسیع ناشی از زلزله و سایر خطرات احتمالی از سوی دیگر، می‌باشد. (غمامی، ۱۳۸۳: ۷۸)

تعریف پایتخت

لغت‌نامه دهخدا: شهری که پادشاه در آن سکونت دارد و به عربی دارالسلطنه گویند. معانی دیگر آن قطب و حاکم نشین می‌باشد. فرهنگ معین: شهری که محل استقرار حکومت باشد.

خصوصیات پایتخت فعلی

الف) جمعیت تهران

تهران بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران با جمعیت حدود ۱۲ میلیون نفر (همراه با توابع، که به نام تهران بزرگ شناخته می‌شود، حدود ۱۵ میلیون نفر است) است.

در کل، ساختار اداری ایران در تهران متمرکز شده است. سطح شهر تهران به ۲۲ منطقه شهرداری تقسیم و نماد این کلانشهر برج آزادی و (به تازگی) برج میلاد است.

ب) جغرافیای منطقه تهران

شهر تهران از نظر موقعیت جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۰۸ دقیقه، تا ۵۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است و ارتفاع آن از ۱۷۰۰ متر در شمال به ۱۲۰۰ متر در مرکز و بالاخره ۱۱۰۰ متر در جنوب می‌رسد.

تهران در پهنه‌ای بین دو وادی کوه و کویر و در دامنه‌های جنوبی البرز گسترده شده است. از سمت جنوب به کوه‌های ری و بی‌بی‌شهربانو و دشتهای هموار شهریار و ورامین و از شمال به واسطه کوهستان محصور گردیده است و کاملاً می‌توان این شهر را به سه منطقه طبیعی تفکیک نمود:

- کوهستانهای شمالی تهران که بلندترین قله این کوهستان توچال با ۳۹۳۳ متر بر تمام فضای شهر مشرف است.

- دومین منطقه، دامنه‌های البرز است که به تپه ماهورها و دره‌های اوین، درکه، نیاوران، حصارک و سوهانک منتهی می‌شود.

- منطقه سوم دشتی است، که قسمت اعظم شهر تهران بر آن گسترده شده است و دارای شیب ملایمی با جهت شمالی - جنوبی است.

پ) قرارگیری جایگاه شهر تهران از دیدگاه موقعیت گسترده شهری:

تهران در منطقه مرز شمالی ایران مرکزی در ناحیه‌ای که از دیدگاه آب - زمین‌شناسی در مرز منطقه خشک واقع است، در هر نوع توسعه‌ای نیازمند جذب منابع آب سطحی و زیرزمینی است. سدهای لار، کرج و لتیان سدهائی بوده‌اند که بخشی از هدف دولتهای قبلی ایران از احداثشان تأمین آب مصرفی تهران بوده است.

این منابع آب در صورت هدایت به تهران و شهرهای اقماری پیرامون آن دیگر در دسترس حوزه‌های قبلی نخواهند بود. منطقه دشت قزوین که

یکی از حاصلخیزترین دشتهای اطراف تهران بوده است، با احداث سد کرج دچار تنگنای شدید از نظر آب گردید.

در واقع یکی از دلایل خشک شدن بیشتر گستره دشت قزوین تأمین آب تهران بوده است. این موضوع منطقه شمالی کشور را از یکی از مهمترین منابع تأمین غذای خود - از طریق کشاورزی و زیرکشت رفتن زمینهای این منطقه - محروم کرد. این برای تأمین آب شهرهای جدید که به سرعت در حال احداث هستند - از جمله مناطق بیست و هفتگانه تهران که هفت منطقه - عمدتاً در پهنه غربی شهر - در سالهای اخیر به آن افزوده شده است، به شدت مطرح است. منطقه‌ای جدید که برای پایتخت انتخاب می‌شود لازم است از دیدگاه مسأله آب (زمین‌شناسی) مورد بررسی دقیق واقع شود. (زارع، ۱۳۸۴: ۴۹)

تاریخچه

تاریخ بحث بر سر انتقال پایتخت از تهران به نقاط دیگری از کشور شاید از سال ۱۲۰۹ شمسی که زمین‌لرزه‌ای شدید طی چند ثانیه این شهر را به کلی ویران کرد مطرح شده باشد. اما حدود سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ بار ترافیکی سنگین و آلودگی بیش از حد هوای موضوع انتقال پایتخت تهران به شاهرود، خدابنده، زرنده فارس، دورود و ازنا و شهرهای دیگر را مطرح کرد که با قول شهردار وقت در اصلاح مشکلات تهران، آن هم به فراموشی سپرده شد. اینک با زلزله سنگین بم فضای جدیدتری برای انتقال پایتخت از تهران به همان محلهای کارشناسی شده و شهرهای دیگر مطرح شده است. (جلالی، ۱۳۸۲)

اولین بار، داستان انتقال پایتخت در سمیناری تحت عنوان مسایل اجتماعی شهر تهران در اردیبهشت سال ۱۳۴۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، توسط مؤسسه علوم اجتماعی مطرح شد. در آن جلسه بسیاری از مشکلات تهران مطرح شد و طرح انتقال پایتخت در حاشیه این موضوعات مورد بررسی قرار گرفت. این سمینار، زمینه تهیه طرح جامع شهر تهران در سال ۱۳۴۵ و تصویب آن در سال ۱۳۴۹ شد.

در این سالها جمعی از متخصصان شهرشناسی تهران با همکاری کارشناسان خارجی، مطالعات اولیه خود را بر روی شهر تهران آغاز کردند. جمعیت شهر تهران با توجه به رشد مهاجرت و افزایش تولید، در حالت خوشبینانه ۱۲ میلیون نفر و به طور بدبینانه ۱۶ میلیون نفر پیش‌بینی شده بود. این در حالی است که منابع آبی و ذخایر مادی فقط برای ۵ میلیون نفر در تهران وجود داشت.

در سال ۱۳۷۵ بحث انتقال پایتخت: مجدداً بر سر زبان‌ها افتاد. یک نماینده مجلس در سخنانی خواستار انتقال برخی وزارتخانه‌ها، ادارات، پادگان‌ها و کارخانجات به شهرهای همجوار تهران شد. در طرح جامع شهر تهران نیز ماده‌ای به تصویب رسید که طی آن احداث هر گونه کارخانه در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران ممنوع اعلام شده بود.

طرح انتقال پایتخت در سال ۶۹-۱۳۶۸ به عنوان یک گزینه برای گریز از وضعیت ناهنجار تهران در هیأت دولت مطرح شد. بدنبال آن وزارت

مسکن و شهرسازی مأموریت یافت تا بررسی‌های اولیه این طرح را مورد مطالعه قرار دهد. به همین منظور، یک گروه کاری مرکب از ۴ کارشناس ارشد برای پاسخگویی به چند سؤال تشکیل شد.

دکتر رهنمایی یکی از این کارشناس‌ها، که استاد دانشگاه تهران نیز می‌باشد، چهار سؤال اساسی را در طرح انتقال پایتخت مطرح کرده، می‌گوید: «سؤال اول این است که اگر دولت تصمیم برای انتقال پایتخت بگیرد، کدام محل مناسب‌ترین جا برای انتقال و استقرار پایتخت است؟»

وی در طرح سؤال دوم می‌افزاید: «انتقال پایتخت از تهران، چه مقدار بار جمعیتی شهر تهران را کاسته و به ساماندهی آن کمک می‌کند؟» به گفته این استاد دانشگاه، مطالعات پایه نشان داده که مشاغل ستادی در تهران با ملحوظ داشتن بعد خانوار شاغلان، حداکثر حدود ۵۰۰ هزار نفر را باید جابجا کند.

او می‌گوید: «هزینه‌های انتقال پایتخت نیز ضابطه‌ای مهم برای تصمیم‌گیری است. هزینه‌های برآورد شده نسبت به آن زمان بسیار بالا بود چرا که دولت در سالهای بعد از جنگ به ویژه با پایین آمدن قیمت نفت و تعهداتش نسبت به بازسازی مناطق جنگ‌زده، اولویت‌های هزینه‌ای دیگری به غیر از انتقال پایتخت داشت» به گفته وی این مطالعات نشان می‌دهد که هزینه‌های تملک زمین و آماده‌سازی بهینه برای شروع فعالیتهای ساختمانی، به یک هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

این کارشناس ارشد به مدت زمان انتقال پایتخت اشاره کرده و می‌گوید: «دوره انتقال قطعی به چه میزان زمان نیاز دارد؟» این مطالعات بر مبنای سالهای ۱۳۷۰ الی ۱۳۹۵ یعنی یک دوره ۲۵ ساله انجام گرفته است و نشان داده که انتقال قطعی حدود ۲۵ سال طول خواهد کشید. بر این اساس، انتقال پایتخت به نسبت هزینه‌های بسیار سنگین، تأثیر چندانی محسوس بر جمعیت شهر تهران نخواهد داشت.

یک استاد دانشگاه می‌گوید: شهرداری شروع به بهسازی شهر تهران از طریق تشویق سرمایه‌گذاری و تضمین سودآوری برای بخش خصوصی کرد. سودآوری که بخش ساختمان در تهران و به تبع آن در سایر شهرهای بزرگ کشور داشت، به منابع مالی و بانکی کشور اجازه می‌داد که با بهره ۳۰ درصد امکانات مالی در اختیار بساز و بفروش‌ها قرار دهند و این بود که شهر تهران، به نقطه انفجار نزدیک شد.

جمعیت ۱۲ میلیون نفری برای یک شهر با امکانات ۵ میلیون نفر در تهران، از نظر جمعیت‌شناسان نقطه انفجار محسوب می‌شود.

دکتر عدالتخواه متخصص شهرسازی و معماری معتقد است: وجود دو سد لتیان و کرج برای تأمین آب شرب تهران به هیچ وجه کافی نیست. به گفته وی: «بسیاری از مراکز علمی مانند دانشگاه‌ها، ادارات دولتی، مراکز نظامی و قطب‌های صنعتی باید در خارج از تهران احداث شوند تا ضمن کنترل مهاجرت، نقاط تراکم جمعیتی را پراکنده سازند.»

وی می‌افزاید: «در بسیاری از کشورهای دنیا، قطب‌های اقتصادی در مراکز کم جمعیت و محرومتر کشور احداث و مراکز خدماتی به طور یکسان در شهرها تأسیس می‌شوند زیرا مراکز خدمات رسانی یکی از

مهمترین عوامل جذب مهاجرت است.»

وی در مورد احتمال وقوع زلزله در تهران خاطر نشان می‌کند: «کسی که می‌گوید در تهران زلزله خواهد آمد بگوید که در کجای ایران زلزله نمی‌آید؟ شهر بم نه تنها به عنوان بخشی از پهنه پرخطر زلزله اعلام نشده است بلکه بیش از دو هزار سال هیچ زلزله‌ای را به خود ندیده بود.»

دکتر بهبهانی متخصص شهرسازی و معماری نیز معتقد است: «در هر کجای ایران زلزله بیاید فاجعه‌ای کمتر از بم نخواهد داشت.» به گفته وی به جای اینکه پایتخت را منتقل کنیم، باید در جهت پراکنده کردن مدیریت و خدمات گام برداریم. اگر کلیه فعالیتهای خدماتی، تولیدی و فرهنگی در سراسر استان‌ها به صورت عادلانه توزیع شود، نیازی به جابجایی پایتخت نخواهیم داشت.

وی می‌افزاید: «در تهران دو بافت فرسوده و جدید داریم که به علت عدم ساخت و ساز اصولی در هنگام یک زلزله مرگبار در معرض تخریب خواهد بود.»

طرح موضوع انتقال پایتخت از تهران، آن هم درست بعد از زلزله بم و زمین‌لرزه‌های ایذه و مسجد سلیمان از زبان مسؤولان امنیت ملی کشور، از دیدگاه برخی از کارشناسان نوعی فرار به جلو محسوب می‌شود. به اعتقاد آنان ۱۲ میلیون نفر در تهران زندگی می‌کنند که جان آنان هنگام زلزله در معرض خطر است و کدام بخش از مردم هنگام انتقال پایتخت دست چپین شده و به جای امن و محکم برده خواهند شد.

این متخصص مخالفت شدید با طرح انتقال پایتخت معتقد است: «تصور نمی‌کنم صورت مسأله را پاک کردن و رفتن به جای دیگر، شهر تهران را امن کند. ۱۲ میلیون نفر در تهران زندگی می‌کنند که با طرح انتقال پایتخت نمی‌شود همه را منتقل کرد.» وی معتقد است طرح انتقال پایتخت یعنی ایجاد یک طبقه قلعه‌نشین که ساکنان آن را مدیران و مسؤولان رده بالای کشور تشکیل می‌دهند.

به اعتقاد وی ما با اجرای این طرح به هزار سال قبل باز می‌گردیم که دژنشینان جان طبقه کوخ‌نشین را در دست داشتند. او اجرای طرح انتقال پایتخت را عملی ندانسته و می‌گوید «شهر تهران حاصل سرمایه‌گذاری مادی و معنوی میلیون‌ها انسان و سالهای طولانی است و فقط با یک کلمه که باید پایتخت را از تهران بیرون ببریم، این کار امکان‌پذیر نخواهد شد.» به گفته این دکتر معماری و شهرسازی، در سالهای اخیر، بحث فروش تراکم و نظارت نکردن بر نحوه ساخت و ساز، تهران را به یک مجموعه ناهنجار تبدیل کرده است. وی می‌گوید: «تهران را به کجا خواهند برد؟ کدام شهر ایران امن‌تر از تهران است؟ و چه هزینه‌ای برای انتقال پایتخت قابل برآورد است؟ چرا قبل از گسترش ساخت و ساز به نقشه زلزله‌شناسی در شهر توجه نشده است و چرا مکان‌های زمین‌لرزه‌خیز از تراکم انسانی بالاتری برخوردارند؟»

دکتر عدالتخواه نیز می‌گوید: «در حالی که تهران به عنوان پایتخت، هم یک مرکز سیاسی و هم یک مرکز اقتصادی و فرهنگی است، طبیعی است که غالب وزارتخانه‌ها و کارخانجات در این منطقه متمرکز شوند.» به گفته وی

در شهری مانند لندن که پایتخت انگلیس است، مراکز اداری، آموزشی و نظامی حداقل ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر خارج از شهر قرار دارند. به اعتقاد وی جابجایی کلی پایتخت از تهران در کوتاه مدت امکان پذیر نیست و فقط شاید بخش هایی از شهر به خارج منتقل شود.

او نیز معتقد است که نباید با احداث یک شهر مدرن و محکم ۳۰۰ هزار نفری، خرج مسئولان را از شهروندان تهرانی جدا کنیم. وی می پرسد: «آیا شهروندان قبول می کنند که هزینه غیرمستقیم ساخت شهری را بدهند که احتمالاً بعدها اجازه ورود به آنجا را هم نداشته باشند؟» وی معتقد است که بازسازی شهر تهران و استحکام بخشیدن به زیرساخت های آن کم هزینه تر از جابجایی است.

اما جدای از این نظرات کارشناسی، شورای عالی امنیت ملی معتقد است که تهران به دلیل قرار گرفتن روی خط زلزله برای پایتخت بودن مناسب نیست. ظاهراً هیأت دولت نیز با مجلس و شورای عالی امنیت ملی هم داستان شده و به وزارت مسکن و شهرسازی دوماه فرصت داده است تا گزارش خود را در خصوص بافت فرسوده تهران ارائه کند.

یکی از مسئولین، طی گفت و گویی، طرح انتقال پایتخت را یک مسأله ضروری و حیاتی دانست و گفت: «با توجه به مشکلات فراوانی که در کلانشهر تهران وجود دارد، این طرح می تواند راه حل مناسبی برای حل این مشکلات باشد.»

به گفته وی امروز در کشورهای توسعه یافته طرح انتقال پایتخت یک امر متداول است و برای جلوگیری از مشکلات، طرح تفکیک مرکز سیاسی از مرکز اقتصادی مورد بررسی قرار می گیرد. (امین، ۱۳۸۲)

اگرچه این روزها به خاطر بحث انتخابات، انتظار می رود از شدت مباحث در این موضوع کم شود ولی واقعیت این است که موضوع مهم و حیاتی است و باید بدون از دست دادن این فرصت پیش آمده به جنبه های علمی این حرکت ملی توجه داشت و با انجام چند تحقیق و پژوهش ملی تکلیف کار و راهکار مناسب را مشخص کرد.

زمان طرح موضوع انتقال پایتخت، موضع گیری ها و مباحث مطرح شده در چند سال اخیر کاملاً نشان می دهد که دیدگاه های سنتی بر دیدگاه های علمی و تحقیقاتی غالب است، به همین دلیل نگاه به انتقال پایتخت سطحی و بدون توجه به فرصتها و امکانات موجود جهان و پتانسیل های ملی مطرح می شود. اگر این طور نبود حداقل می بایست سناریویی از پایتخت آتی مطرح می شد تا بتوان چشم اندازی برای آن تبیین کرد.

به نظر می رسد در کشور ما حتی اعتقادی به علم تخیل نیز نیست تا بتوان حداقل سناریویی تخیلی ابتدا در ذهن پروراند و بعد با استفاده از علم آن تخیل را به واقعیت رساند.

هنوز عده ای فکر می کنند که پایتخت شهری کلان را می طلبد و به همین دلیل اصفهان را مطرح می کنند و یا عده ای صرف نظر از توجه به ابعاد موضوع فکر منطقه ای دارند و به دنبال بردن پایتخت به شهر خود می باشند و افرادی هم مانند نویسنده این مقاله و بسیاری از افراد دیگر متوسل به فن آوری های نوین و راهکارهای علمی می شوند و به دنبال راهکارهای

کارشناسی می گردند.

در هر صورت، به نظر می رسد بهترین روش برای انتقال پایتخت مطالعه سنگین علمی و برگزاری چندین همایش بین المللی می باشد تا با استفاده از تجربیات جهانی و استفاده از فکر متخصصان و دانشمندان داخلی و خارجی تمام زوایای ناپنهان این حرکت ملی شناخته شده و با اطمینان اقدامی عملی را آغاز نمود.

مزایای انتقال پایتخت از تهران تنها به موضوع فرار از زلزله یا راه حلی برای رفع مشکل ترافیک و آلودگی هوا مربوط نمی شود، بلکه باید به جنبه های دیگر روان شناسی و اقتصادی و بسیاری از ابعاد و تبعات دیگر آن هم توجه داشت.

بحث انتقال پایتخت بیشتر به تمرکززدایی توجه دارد؛ به این صورت که برخی فعالیتهای اداری به نقطه دیگری منتقل شود و بخشی از جمعیت که به این موضوع وابسته هستند، مستقل شوند ولی به نظر می رسد که در عمل، تمرکززدایی صورت نگیرد.

فرض کنید اگر مرکز سیاسی به اراک برود، شاید رشد جمعیتی اراک افزایش یابد ولی از رشد تهران، جمعیت آن و فعالیتهای اقتصادی و تجاری این کلانشهر کاسته نمی شود. در حقیقت، مدیران سیاسی کشور بارها شدن از مشکلات تهران همچون ترافیک، زباله و آلودگی هوا، به نقطه امن تری منتقل می شوند.

در این میان به نظر نمی رسد که تجمع زدایی به عنوان هدف اصلی انتقال پایتخت در نظر باشد، چرا که تعدادی کارمند در قالب این طرح به مکان دیگری منتقل می شوند. با اندکی توجه به اظهار نظرهایی که در این مدت در رابطه با پیشنهاد انتقال پایتخت کشور مطرح شده، می توان آنها را به دو گروه مشخص تقسیم کرد.

الف) نظریات کسانی که مسئولیتی در این امور داشته، با برنامه ها و تصمیم گیری های مربوط به توسعه، به ویژه سیاست گذاری های گسترش شهری و مانند آن سروکار دارند، و یا این که در این زمینه مطالعه بیشتری انجام داده اند؛ آنها به حق و بجا چنین پیشنهادی را غیر عملی و حتی نامربوط می دانند.

ب) گروه دیگر که عمدتاً با ابعاد مسئله آشنایی چندانی ندارند و بیشتر مبتنی بر نظر شخصی و یا به تنگ آمده از مشکلات روزمره کلان شهر تهران، اظهار نظر می نمایند و خواستار انتقال پایتخت به مکان دیگری هستند.

با رویکردی کلی به آنچه برخی مسئولین در این رابطه مطرح نموده اند، برخی دیگر هم، به اصطلاحی که امروزه مد شده، آنرا مثبت ارزیابی نموده اند! بیش از هر چیز متوجه عدم توفیق و نوعی درماندگی مسئولان و مشاورانشان در رفع و یا حداقل تعدیل مشکلات کلانشهر تهران می شویم.

(رادینا، ۱۳۸۴)

* ادامه مقاله در شماره های آتی *